



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۶ اسفند ۱۳۹۰
مصادف با: ۳ ربیع الثانی ۱۴۳۳
جلسه: ۲۳

موضوع کلی: اعجاز قرآن
موضوع جزئی: شمول تحدی نسبت به همه زمان‌ها
سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

شمول تحدی نسبت به همه زمان‌ها:

بحث دیگری که درباره تحدی وجود دارد این است که تحدی نسبت به همه زمان‌ها جریان دارد، ما سابقاً گفتیم تحدی قرآن به اتیان به مثل قرآن یا حتی سوره‌ای از سوره قرآن صرفاً منحصر به مردم زمان نزول قرآن نبوده، بلکه این اعجاز همیشگی است و ناتوانی و اعجاز دیگران در این رابطه ابدی است.

سؤال: آیا تحدی فقط نسبت قرآن است یا نسبت به کتب آسمانی دیگر هم تحدی صورت گرفته است؟

استاد: اولاً؛ ما متون اصلی کتب آسمانی دیگر را در اختیار نداریم تا ببینیم آیا در آن تحدی واقع شده یا خیر؟ ثانیاً؛ در آنچه که از ادیان آسمانی گذشته وارد شده کتب آن ادیان به عنوان معجزه معرفی نشده و معجزه انبیاء شرائع گذشته چیزی غیر از کتاب بوده لذا بعید به نظر می‌رسد که نسبت به کتب آسمانی دیگر هم تحدی صورت گرفته باشد و انسان از آوردن مثل آن کتب عاجز باشد.

بهر حال علت اینکه ما این بحث را مطرح می‌کنیم این است که در بین بعضی از اندیشمندان اسلامی این تفکر وجود دارد که تحدی به قرآن و اعجاز قرآن بر این محور استوار است که مردم عرب زبان فصیح آن روز حجاز که در اوج فصاحت و بلاغت بوده‌اند از آوردن مثل قرآن ناتوان بودند و این شامل مردم زمان‌های دیگر نمی‌شود همین برای اعجاز قرآن کافی است.

اقوال در مورد شمول تحدی:

به طور کلی در مورد شمول تحدی نسبت به همه زمان‌ها دو قول وجود دارد:

قول اول:

قول مشهور و اکثریت قریب به اتفاق بزرگان و مفسرین و دانشمندان علوم قرآنی این است که قرآن کریم معجزه‌ای است که مردم همه زمان‌ها از آوردن مثل آن ناتوانند نه اینکه فقط عرب زبانان فصیح و بلیغ دوره نزول قرآن و عصر پیامبر (ص) از آوردن مثل قرآن ناتوان بوده‌اند.

قول دوم:

قول دوم این است که بعضی از اندیشمندان اسلامی معتقدند فقط مردم عرب زبان فصیح دوره نزول که در اوج فصاحت و بلاغت بوده‌اند از آوردن مثل قرآن عاجز بوده‌اند.

هر دو قول بر این امر متفقند که قرآن معجزه است و این اعجاز برای اثبات اتصال و ارتباط قرآن به مبدأ وحی کافی است لکن اختلاف در این است که دامنه اعجاز قرآن تا چه حد است آیا فقط شامل مردم عصر نزول قرآن بوده یا مردم همه زمان-ها را شامل می‌شود؟

ادله قول اول:

دلیل اول: آیات

ما به دو آیه از قرآن را اشاره می‌کنیم که بر شمول تحدی نسبت به همه زمان‌ها دلالت می‌کند:

آیه اول:

آیه شریفه: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»^۱؛ طبق این آیه خداوند متعال می‌فرماید: اگر نسبت به آنچه بر بنده خویش فرو فرستادیم در تردید و شک هستید پس یک سوره مثل قرآن بیاورید و اگر چنین نکردید و هرگز نخواهید توانست این کار را انجام دهید پس از آتش و عذابی که فروزنده آن آدمیان و سنگ خارا می‌باشند و برای کافران آماده شده پرهیز کنید. عبارت «ولن تفعلوا» به این معنی است که هرگز چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد؛ چون لن نفی ابدی می‌کند. لذا آیه ظهور روشنی دارد در اینکه مردم همه زمان‌ها از آوردن مثل قرآن عاجزند و نمی‌خواهد بگوید فقط مردم عصر نزول نخواهند توانست مثل قرآن را بیاورند.

اشکال:

ممکن است اشکال شود که مخاطب آیه مردم همان زمان هستند؛ چون آیه می‌گوید: اگر شما چنین نکردید و هرگز نخواهید توانست این کار را بکنید؛ یعنی هرگز نخواهید توانست مثل قرآن را بیاورید هم محدود به مردم همان زمان می‌باشد.

پاسخ:

خطاباتی که در قرآن وارد شده به نحو قضیه خارجیه نیست. مخاطب قضایی که در قرآن وارد شده غیر از موارد خاص مثل قصص که در مقام حکایت و نقل است، فقط مردم عصر نزول نیستند و خطابات قرآنی چه خطاباتی که در مقام بیان احکام و اصل تشریح است و چه خطاباتی که مثلاً در مقام بیان یک امر اعتقادی هستند متوجه همه مردم است. لذا با عنایت به این قرینه که خطابات قرآنی عام است و شامل همه انسان‌ها می‌شود، در مورد این آیه شریفه می‌گوییم خطاب در این آیه شریفه متوجه به همه مردم است و این گونه نیست که خطاب فقط متوجه مردم عصر نزول باشد.

آیه دوم:

آیه شریفه: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً»^۲، طبق این آیه شریفه اگر جن و انس هم جمع شوند نمی‌توانند مثل قرآن را بیاورند، الجن و الإنس اسم جنس هستند و بر طبیعت دلالت می‌کنند؛ یعنی طبیعت جن و انس که شامل همه افراد و مصادیق آنهاست از اول تا آخر خلقت حتی سابقین بر نزول

۱. بقره/۲۳ و ۲۴.

۲. اِسْرَاء/۸۸.

قرآن هم اگر بودند نمی‌توانستند مثل قرآن را بیاورند. پس می‌توان ادعا کرد که خداوند تبارک و تعالی در قرآن بر شمول تحدی نسبت به همه زمان‌ها تأکید دارد و در واقع آنچه که از این آیات استفاده می‌شود این است که انسان‌ها از آوردن مثل قرآن ناتوان و عاجزند پس شمول تحدی نسبت به همه زمان‌ها از ظواهر آیات قرآن هم قابل استفاده است.

دلیل دوم:

قبلاً عرض کردیم که اولاً دین اسلام کامل‌ترین ادیان است و ثانیاً پیامبر اسلام خاتم پیامبران است پس باید اعجاز قرآن هم ابدی باشد تا در همه زمان‌ها اثر گذار باشد. پس این هم می‌تواند دلیل بر شمول تحدی نسبت به همه زمان‌ها باشد.

بررسی قول دوم:

در مقابل قول مشهور که می‌گوید تحدی قرآن شامل همه مردم است، بعضی معتقدند تحدی به قرآن مخصوص به مردم عصر نزول بوده؛ یعنی نفس عجز فصیحان عرب که معاصر نزول قرآن بوده‌اند برای اثبات اعجاز قرآن کافی است. از دید این گروه دلیل اعجاز قرآن ابدی است مثل زنده کردن مردگان که آن هم امری ابدی است ولی این بدین معنی نیست که خود این معجزه *إلی الأبد* جریان داشته باشد. پس این گروه می‌گویند دلیل اعجاز، ابدی است اما این ملازمه ندارد با اینکه خود اعجاز هم ابدی باشد، نشانه اعجاز این است که فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین مردم زمان نزول قرآن از آوردن مثل آن عاجز بوده‌اند اما این ملازمه ندارد با اینکه مردم زمان پس از نزول هم نتوانند مثل قرآن را بیاورند، اگر مردم زمان‌های متأخر بتوانند مثل قرآن را بیاورند لطمه‌ای به اعجاز قرآن نمی‌زند و از ارزش و معجزه بودن قرآن کم نمی‌کند و همین برای اعجاز قرآن کافی است و نیازی به این نیست که اثبات شود مردم همه اعصار از آوردن مثل قرآن عاجز هستند بلکه همین قدر که در زمان نزول افصح فصحاء عرب از آوردن یک سوره مثل سور قرآن عاجز بوده‌اند برای اعجاز قرآن کفایت می‌کند.

این نظریه مردود و باطل است؛ چون اساس این نظریه مبتنی بر این است که وجه اعجاز قرآن اختصاص به اسلوب بیانی و فصاحت و بلاغت قرآن دارد که در مقابل فصحاء عرب آن روز ناتوانی آنها را اثبات کرد، ولی اشکال این است که اعجاز قرآن منحصر در فصاحت و بلاغت نیست بلکه مجموعه زیبایی‌های لفظی و معنوی قرآن معجزه است. در قرآن معارف والا، قصص، پیام‌های اخلاقی، اخبار از آینده و بسیاری از امور دیگر وجود دارد که هر کدام از اینها یک وجه از وجوه اعجاز قرآن را تشکیل می‌دهد پس التزام به نظریه دوم در واقع یک نوع محدود کردن وجوه اعجاز قرآن است. حق این است که قرآن معجزه ابدی است و جلوه‌های مختلفی از اعجاز در قرآن وجود دارد بنابراین قول مشهور قول حق است و تحدی به قرآن شامل همه زمان‌ها می‌شود و دامنه آن همه انسان‌ها را *إلی یوم القیامة* در برمی‌گیرد.

«والحمد لله رب العالمین»